

Analysis of the Doubts about Testimony of Women in Islam

Ebrahim Yaqouti^{1}, Ma'soumeh Moradi²*

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law,
Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran
2. Faculty Member, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law,
Yadegar Imam Khomeini Branch)Shahr Rey(, Islamic Azad University, Tehran,
Iran

(Received: February 10, 2020; Accepted: July 26, 2020)

Abstract

Witness testimony has been accepted as evidence. However, there are differences in the validity and authenticity of women's testimony over men, which has led to the doubt about discrimination in some Islamic rulings among Muslims. It should be noted that gender differences are considered in inferring the rules and jurisprudential and legal rules. However, the lack of proper explanation of these differences and their philosophy and wisdom gradually led to the promotion of feminist suspicions and dissatisfaction with religious teachings. Using a descriptive-analytical method for answering doubts, this research has discussed the different evidences for gender difference both in religious texts and inter-disciplinary studies. Presenting the arguments of the famous view and using a holistic-based deduction and fairness for correct and complete judgment about women's rights, in response to doubts about gender differences in the issue of testimony, this paper explains the physical and perceptual differences and the principle of "coordination of creation and legislation differences". It was concluded that gender difference in the issue of woman's testimony and her inequality with man's testimony has been in accordance with the wise plan of the world creation and it is not considered discrimination.

Keywords: Testimony of Women, Gender Inequality, Evidence of Rulings, Famous Jurists.

* Corresponding Author, Email: yaghouti2010@yahoo.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۴۶۳ - ۱۴۳۹ (مقاله پژوهشی)

تحلیلی بر شبهات شهادت بانوان در اسلام

ابراهیم یاقوتی^{۱*}، معصومه مرادی^۲

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. عضو هیأت علمی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵)

چکیده

شهادت شهود به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا پذیرفته شده است. اما در میزان اعتبار و حجیت شهادت زنان نسبت به مردان تفاوت‌هایی وجود دارد که این موضوع شائبه تبعیض در برخی احکام اسلامی را در میان مسلمین ایجاد کرده است. باید توجه داشت در استنتاج قواعد و احکام فقهی و حقوقی، تفاوت‌های جنسی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما عدم تبیین مناسب این تفاوت‌ها و فلسفه و حکمت آنها به تدریج موجب ترویج شبهات فمینیستی و نارضایتی از آموزه‌های دینی می‌شود. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی در پاسخگویی به شبهات، به ادله مختلف تفاوت جنسی هم در متون دینی و روایی و هم مطالعات بین‌رشته‌ای پرداخته شده است. همچنین با ارائه ادله دیدگاه مشهور و استنباط مبتنی بر کلی‌نگری و انصاف برای قضاوت صحیح و کامل درباره حقوق زن، در پاسخ به شبهات وارد بر تفاوت جنسی در مسئله شهادت به تبیین تفاوت‌های جسمی و ادراکی و اصل «تناسب و هماهنگی تفاوت‌های تکوینی با تشریحی» پرداخته شده و استنتاج شده است که تفاوت جنسی در مسئله شهادت و نابرابری او با مرد در مسئله شهادت در تناسب با طرح حکیمانه عالم تکوین بوده است و تبعیض تلقی نمی‌شود.

واژگان کلیدی

ادله احکام، تبعیض جنسی، شهادت بانوان، مشهور فقها.

۱. مقدمه

مسئله تفاوت‌های جنسی عاملی کلیدی در تنظیم روابط اجتماعی است که اندیشمندان فراوانی بر ضرورت توجه به آن تأکید کرده‌اند. آموزه‌های دینی به وجود این تفاوت‌ها به عنوان امری مسجل و حتمی حساس‌اند؛ به طوری که در استنتاج قواعد و احکام فقهی و حقوقی این تفاوت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

در دین اسلام، جایگاه فردی و اجتماعی و کرامت زن، نسبت به دوره‌ها و سده‌های گذشته پیشرفت محسوسی کرده و این پیشرفت با تدبر در آیات قرآن کریم ملموس است (احزاب: ۳۵). در قرآن کریم، در نزد خدا، زنانگی و مردانگی مطرح نیست و عمل هر شخص معرف اوست (نحل: ۹۷). براساس این تفکر در بسیاری از موارد مجازات زن و مرد یکسان است (مائده: ۳۸، نور: ۲). با این حال در برخی شئون حیاتی، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد. مسئله ارث (نساء: ۱۱)، دیه (بقره: ۱۷۸) و شهادت (بقره: ۲۸۲) از مصادیق بارز این تفاوت‌هاست.

پیوند تنگاتنگ برخی از تفاوت‌های جنسی در احکام فقهی و حقوقی اسلام با دو مبحث اساسی «نقش‌ها» و «حقوق»، از دیرباز دستاویز معاندان تفکر دینی است تا با تکیه بر کلیدواژه «تبعیض جنسی» از طریق انکار تفاوت‌ها، خواستار تشابه و عدم تمایز نقش و تفاوت حقوقی میان زن و مرد باشند. تحت تأثیر القانات جریان فمینیستی در خصوصیت با آموزه‌های دینی، تعاریف زنانگی و مردانگی، دچار تغییر جدی شده و تفکیک نقش و وظایف میان آن دو در خانه و اجتماع، تمسخرآمیز جلوه می‌کند و تفاوت‌های جنسیتی احکام و حقوق، منتسب به عصر و شرایط خاص و تبعیض‌آمیز تلقی می‌شود. اکنون این تفکر به صورت خزنده، تفاوت جنسی در مسئله شهادت را تبعیض تلقی می‌کند و خواستار لغو تفاوت در احکام مربوطه آن است.

بی‌توجهی به این تفاوت‌ها علاوه بر انحطاط جامعه، تزلزل بنیان خانوادگی، ابهام و سردرگمی هویت جنسی، نارضایتی از آموزه‌های دینی به‌ویژه در مراکز دانشگاهی را نیز

به همراه دارد. این نارضایتی القاشده، برخی مراکز و پژوهشگران حوزه علوم انسانی را برمی‌انگیزد تا شالوده‌ای برای حمله بر این تفاوت‌ها و انکار یا طرد آنها دست و پا کنند. متأسفانه این عقیده کمرنگ شده است که «زنان و مردان از لحاظ بنیادی با هم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها را ما به وجود نیاورده‌ایم که خودمان هم بتوانیم آن را از بین ببریم» (شلسینگر، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

امروزه با توجه به شبهات موجود در بخش فقه لازم است با تسلط بر اساس و ساختار نگرش‌های منتقد و معاند با فقه اسلامی، پاسخی مناسب و مستدل به آنها داده شود. از جمله این شبهات این است که برخی نگرش‌های التقاطی تحت تأثیر حقوق مدرنیته، گاه به منظور بی‌اعتبار ساختن احکام فقهی استدلال می‌کنند که احکام اسلامی، امروزه پاسخگوی نیاز زنان نیست. این شبهه درباره مسئله شهادت زنان نیز مطرح می‌شود. از این رو در صورت عدم پاسخگویی مستدل به این گونه شائبه‌ها و استدلال‌ها با جولان نگرش‌های لیبرالیستی و فمینیستی شاهد تقلیل التزام احکام دینی و ایجاد حساسیت و بدبینی نسبت به آن احکام در میان مردم مسلمان به خصوص بانوان خواهیم بود.

به منظور پاسخگویی به این شبهات در این پژوهش نخست تفاوت‌های زن و مرد در مطالعات بین‌رشته‌ای از جمله جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از لحاظ جنسیت بررسی شده و سپس با بررسی و نقد مهم‌ترین ادله مشهور فقها، با نگاهی نو به شبهه تبعیض جنسی در مسئله شهادت زنان پرداخته شده است.

۲. ابعاد نظری

در این بخش نخست به مفاهیم اصلی پژوهش و سپس به پشتوانه نظری خواهیم پرداخت.

۲.۱. مفاهیم اصلی

شهادت: شهادت را از نظر لغوی به معنی خبر قاطع (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۲۳) و حضور و معاینه (القیومی، ۱۴۲۵ق: ۳۲۴) و به معنی اخبار از روی علم و یقین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۵) گفته‌اند.

صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی شهادت گفته است: «خبری که به‌طور جزم و یقین درباره حق دیگری از طرف شخصی غیر از حاکم بیان شود و مرجع تشخیص آن از سایر اخبار که شهادت نمی‌باشد، عرف است» (نجفی، ۱۹۸۱: ۷). در تعریف دیگر آمده است: «شهادت شرعاً عبارت است از خبر دادن از یک حقی (جانی یا مالی، حواله یا حق الناس) به‌طور جزم و یقین از طرف شخصی غیر از حاکم» (علامه حلی، ۱۳۷۱: ۳۸۳).

در قوانین ایران تعریفی از شهادت نشده است، اما حقوقدانان برای شهادت تعاریفی بیان کرده‌اند. در تعریفی از شهادت چنین آمده است: «در اصطلاح اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است در غیر مورد اخبار به حقی به ضرر خود به نفع غیر» (زیرا در آن صورت اقرار است نه شهادت) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۹۷). در تعریفی دیگر آمده است: «شهادت یا گواهی عبارت است از بیان اطلاعاتی که شخص به‌طور مستقیم از واقعه‌ای دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۵۸). در این نوشتار مراد از «شهادت» معنای اصطلاحی آن است.

تبعیض جنسی: تبعیض به نحوه برخورد نامطلوب با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم‌آمیز دلالت می‌کند (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۱۲). بر این اساس تبعیض جنسی به فرایند یا شکلی از کنترل اجتماعی اشاره می‌کند که برای حفظ فاصله اجتماعی میان زنان و مردان جامعه از طریق اتخاذ شیوه‌های نهادی یا عقلانی است. این شیوه‌ها اغلب متضمن زیردستی زنان بوده و با عقاید پذیرفته‌شده درباره عدالت و انصاف در تضاد است.

۲.۲. پشتوانه نظری

به‌منظور تبیین تفاوت‌های جنسی در احکام فقهی به‌ویژه مسئله شهادت لازم است علاوه‌بر بررسی متون دینی موجود با بررسی بین‌رشته‌ای، پشتوانه نظری مستدلی برای آن تدوین کرد. نظریه‌های تفاوت جنسی را می‌توان براساس جبهه‌گیری آنها در سه مقوله پذیرش/انکار تفاوت، و «پذیرش/انکار تشابه و تساوی حقوقی زن و مرد» دسته‌بندی کرد (جدول ۱).

نظریه سنتی از اصرار بر تفاوت‌های زن و مرد نه تنها در جهت انکار تشابه حقوقی زن و مرد بهره می‌گیرد؛ بلکه با سوء استفاده از آن، تساوی حقوقی آنها را نیز منکر می‌شود. در مقابل، نظریه تشابه‌محور تلاش می‌کند ضمن انکار تفاوت‌های طبیعی و غریزی زن و مرد از لحاظ قوانین، مقررات، حقوق و وظایف، وضع واحد و مشابهی میان آنها به وجود آورد. در این میان مکتب اسلام با نظریه تفاوت‌محور با فهم و درک تفاوت‌های زن و مرد معتقد است تساوی حقوقی زن و مرد نه با تشابه، بلکه در تفاوت تکالیف و مجازات محقق می‌شود (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۲۰).

جدول ۱. دسته‌بندی نظریه‌های تفاوت جنسی

جبهه‌گیری			نوع نظریه
تساوی حقوقی زن و مرد	تشابه حقوقی زن و مرد	تفاوت‌های زن و مرد	
رد	رد	پذیرش	نظریه سنتی
پذیرش	پذیرش (اصرار)	رد	نظریه تشابه‌محور
پذیرش	رد	پذیرش	نظریه تفاوت‌محور

مشخص کردن میزان و موارد تفاوت زن و مرد با همدیگر از جمله چالش‌های جدی است که در اعصار مختلف به مباحث مختلفی دامن زده است. موضوع بخش بزرگی از آثار جامعه‌شناختی اخیر درباره جنسیت، همین تفاوت‌های جنسی بوده است. جامعه‌شناسانی چون رودیک (۱۹۸۰)، گلیکان (۱۹۸۲)، کافمن و ریچاردسون (۱۹۸۲)، گیلبرت و گوبار (۱۹۷۹)، هایت (۱۹۷۶)، ردوی (۱۹۸۴)، لوز و شوارتز (۱۹۷۹)، بیکر میلر (۱۹۷۶)، کاسپر (۱۹۸۶)، روسی (۱۹۸۳) و برنارد (۱۹۸۱) آثار زیادی در این باره خلق کرده‌اند. مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت‌های جنسی در دوران معاصر این است که زندگی روحی درونی زنان در شکل کلی آن با حیات روحی مردان تفاوت دارد. زنان از حیث ارزش‌ها و منافع بنیادیشان، شیوه داورای‌های ارزشی، ساخت انگیزه‌های دستاوردی، خلاقیت ادبی، تفنن‌های جنسی، احساس هویت و از نظر فراگردهای کلی آگاهی و ادراک خود، درباره ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند. مضمون

دوم این است که شکل کلی روابط زنان و تجربه زندگیشان، شکل متمایزی است. زنان با فرزندان زاده خودشان رابطه‌ای متفاوت از مردان برقرار می‌کنند. پسران و دختران سبک‌های بازی آشکارا متفاوتی دارند؛ زنان بزرگسال با خودشان و با زنانی که بررسی می‌کنند، به شیوه‌های منحصربه‌فردی رابطه برقرار می‌کنند. در واقع تجربه‌های کلی زنان از کودکی تا پیری، تفاوتی بنیادی با تجربه مردان دارد (ریترز، ۱۳۸۳: ۴۷۱-۴۷۰).

تبیین‌های تفاوت‌های جنسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

زیست‌شناختی: تبیین‌های زیست‌شناختی همیشه دستمایه تفکر محافظه‌کارانه درباره تفاوت‌های جنسی بوده است. فروید ساختار شخصیتی متفاوت زنان و مردان را به تفاوت‌های تناسلی و فراگردهای شناختی و عاطفی نسبت می‌دهد. زیست‌شناسان اجتماعی معاصر، لیونل تایگر و رابین فاکس (۱۹۷۱) از «گرامرهای زیستی» متفاوتی سخن می‌گویند که در جریان رشد تکاملی انسان‌نماهای اولیه نهاده شده و سبب شده‌اند که زنان پیوند عاطفی با فرزندانشان داشته باشند و مردان عملاً با مردهای دیگر پیوند برقرار کنند. آلیس روسی (۱۹۸۳) کارکردهای زیست‌شناختی متفاوت زنان و مردان را به الگوهای متفاوت رشد هورمونی آنها طی چرخه حیات نسبت می‌دهد. از دیدگاه روسی دلهره زنانه مشهور به «دلهره ریاضی» و این واقعیت که زنان در مقایسه با مردان آمادگی بیشتری برای مراقبت دلسوزانه از کودکان دارند، به همین تفاوت‌های زیست‌شناختی ارتباط دارند.

نهادی: این تبیین‌ها بر کارکردهای متمایز زنان در زاییدن و مراقبت از کودکان تأکید می‌گذارند. همین مسئولیت مادر بودن را باید عامل تعیین‌کننده عمده در تقسیم کار جنسی گسترده‌ای دانست که زنان را اغلب به کارکردهای همسری، مادری و به حریم خصوصی خانه و خانواده و در نتیجه به یک رشته رویدادها و تجربه‌های عمرانه‌ای مرتبط می‌سازد که با تجربه‌های مردان تفاوت دارند. نظریه‌پردازانی چون برگرها (۱۹۸۳)، برنارد (۱۹۸۱) و رودیک (۱۹۸۰) بیشتر به ریشه‌های نهادی تفاوت‌های جنسی تأکید دارند.

اجتماعی: این تبیین‌ها دو دسته‌اند: یکی نظریه‌های پدیده‌شناختی به معنای وسیع آن و دیگری نظریه‌های اجتماعی شدن. نظریه‌های پدیده‌شناختی بر الگوبندی فراگیر دانش

پذیرفته شده ما از واقعیت روزانه تأکید می‌ورزند. این واقعیت‌های روزانه به وسیله مقولات ساده دوجبهی و براساس نمونه‌سازی‌های مردانگی و زنانگی شکل می‌گیرند. این نظریه‌ها شیوه‌ها و اعمالی را تشریح می‌کند که همه ما در تعاملات روزانه برای حفظ این نمونه‌سازی‌های جنسیتی انجام می‌دهیم. همچنین نظریه‌های پدیده‌شناختی شیوه‌هایی را به ما نشان می‌دهد که از طریق آنها عرصه‌ها و سیماهای روان‌شناختی متفاوتی برای زنان و مردان در سطح جامعه تعریف می‌شود. اما نظریه‌های اجتماعی شدن به بررسی تجربه‌های یادگیری می‌پردازند که عموم انسان‌ها به‌ویژه کودکان را برای نقش‌های جداگانه آماده می‌سازند. این نظریه‌ها همچنین با تحلیل عرصه‌های نهادی مردانگی و زنانگی، تحلیل‌های نهادی را تکمیل می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۳ ش: ۴۷۳-۴۷۲).

این سه شیوه تبیین تفاوت‌های جنسی بر محور نیاز به احترام به زنان دور می‌زنند. نظریه پردازان تفاوت جنسی معتقدند شیوه‌های متمایز زندگی زنان، نه به‌عنوان انحراف‌هایی از شیوه‌های بهنجار، بلکه به‌منزله شقوق کارامدی که می‌توانند جای شیوه‌های مردانه را بگیرند، باید به رسمیت شناخته شوند و دانش همگانی، پژوهش دانشگاهی و خود الگوبندی زندگی اجتماعی باید چنان تنظیم شوند که شیوه‌های هستی‌زانه را جدی بگیرند (ریتزر، ۱۳۸۳ ش: ۴۷۳). این سه شیوه تبیین تفاوت‌های جنسی بر محور نیاز به احترام به زنان دور می‌زنند. مهم‌ترین ادله فقها در خصوص عدم تساوی شهادت زنان، کتاب خدا، برخی روایات و اجماع است که در این پژوهش فقط به بررسی و ارزیابی دلیل از کتاب می‌پردازیم.

۱.۲.۲. کتاب

در قرآن کریم در چهار مورد در خصوص وصیت (مأئده: ۱۰۶)، طلاق (طلاق: ۲)، زنا (نساء: ۱۵؛ نور: ۴ و ۱۳) و دین (بقره: ۲۸۲) از شهادت سخن به میان آمده که در یک مورد به‌صورت خاص از شهادت زن و میزان ارزش آن صحبت شده است که آیه ۲۸۲ سوره بقره است. در آیه مذکور پس از بیان اینکه در مورد دین و طلب شخصی از دیگری، بهتر است موضوع مکتوب شود و شهادی بر آن گرفته شود می‌فرماید: «.....وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ

مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٍ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» (بقره: ۲۸۶). «دو مرد شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید تا اگر یکی دچار فراموشی شد، دیگری به او یادآوری کند».

در این آیه ابتدا از حضور دو شاهد مرد سخن رفته و اشاره شده است که در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن به عنوان شاهد در نظر گرفته شوند. دلیل آن هم به این صورت بیان شده که اگر یکی از دو زن شاهد موضوع را فراموش کرد و از یاد برد، دیگری یادآوری کند و موضوع را به خاطر او بیاورد. این آیه که یکی از ادله فقهاست، مربوط به دین در معنای خاص آن؛ یعنی قرض است. اما در آرای فقیهان بزرگی مثل ابوصلاح حلبی (۴۰۳ق: ۴۳۷)، راوندی (بی تا: ۴۲۸)، ابن حمزه (۱۴۰۸ق: ۲۲۹)، ابن سعید هذلی (۴۰۵ق: ۳۸۶)، محقق حلی (۴۰۳ق: ج ۴: ۹۲۱)، شیخ طوسی (بی تا، ج ۸: ۱۷۲)، شهید اول (بی تا: ۵۵)، شهید ثانی (بی تا، ج ۳: ۱۴۲)، علامه حلی (۱۴۱۹ق: ج ۳: ۵۰۰)، مقدس اردبیلی (۱۴۱۷ق: ج ۱۲: ۴۲۹)، دین در معنای عام آن مورد بحث قرار گرفته است.

در مقابل فقهای مذکور فقیهان دیگری نیز وجود دارند که محدوده پذیرش شهادت دو زن و یک مرد را در دیون معین کرده‌اند، فقیهان بزرگی مثل شیخ صدوق (بی تا: ۴۰۳)، ابن براج (۱۴۰۶ق: ۵۶۰)، ابن زهره (بی تا، ج ۱: ۴۴۰)، صهرشتی (۱۳۷۴ ش: ۵۲۹) از این دسته‌اند.

ابن دریس معتقد است که «مال اعم از دین و عین است» (ابن ادریس، بی تا، ج ۲: ۱۱۶). صاحب ریاض بیان می‌دارد: «منظور از آن دینی که در روایات آمده است همان دین به معنی عام است که شامل دین به معنی خاص می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۲ق: ج ۹: ۵۲۲). امام خمینی دین به معنای عام آن را می‌پذیرد (خمینی، بی تا: ۱۵۸). بنابراین، قاعده این است که دیون و اموال از مواردی است که شهادت بانوان در آن مورد قبول است. اما نکته حائز اهمیت این است که در دین و اموال و کلیه حقوق، که شهادت زنان پذیرفته شده است، شهادت دو زن به جای یک مرد مورد قبول واقع شده است. به عبارت دیگر ارزش شهادت زن نصف شهادت مرد است.

شایان ذکر است در خصوص حدود اصل عدم حجیت شهادت زنان در مطلق حدود (عرضی و غیرعرضی) است^۱؛ مگر آنچه با دلیل معتبر خارج شده باشد (همچون ثبوت حد، جلد در زنا)، (ابن زهره، بی تا، ج ۱: ۴۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق: ۴۴۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۲۵۱، مسئله ۲). مبنای شارع در حدود بر تخفیف و عدم اجرای آن با کمترین شبهه است (صهرشتی، ۱۳۷۴ ش: ۵۲۸).

۲.۲.۲. ارشادی یا مولوی بودن آیه

بازشناسی امر ارشادی از امر مولوی از آن حیث اهمیت دارد که امر مولوی جنبه انشایی دارد و اقتضای اطاعت مستقل می‌کند، در حالی که امر ارشادی ماهیتاً جنبه اخباری دارد و از مصلحت فعل مورد ارشاد گزارش می‌دهد، در نتیجه امثال یا معصیت آن ثواب یا عقابی جداگانه ندارد (فرحزادی، ۱۳۷۹). مثل اینکه بگوید: «در قراردادها و معاملات خود سند تنظیم کنید و یا شاهد بگیرید» که عدم تنظیم سند یا عدم حضور شاهد نه موجب عقاب است و نه موجب بطلان معامله، بلکه در مقام مرافعه و اثبات دعوا ممکن است موجب ورود خسارت مالی به ذی‌نفع شود. نتیجه آنکه فرمان نوشتن دین، حکمی ارشادی است نه مولوی، بنابراین بحث از وجوب یا استحباب درباره آن، جا ندارد، چون این دو از انواع امر مولوی است و امر ارشادی تابع «مُرشدٌ الیه» است که واجب باشد یا مستحب، امر ارشادی بیانگر همان (مُرشدٌ الیه) است.

۳. دیدگاه فقها و مفسران

با توجه به اینکه در بحث شهادت، قائلان به نقش جنسیت در اعتبار شهادت بیشتر بر تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره تکیه می‌کنند، در ادامه ضمن اشاره به مهم‌ترین دیدگاه‌ها، به تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۱. فقها در یک تقسیم‌بندی حدود را به دو دسته حدود عرضی و حدود غیرعرضی تقسیم کرده‌اند. حدود عرضی شامل زنا، سحر و لواط است و حدود غیرعرضی خود دو دسته‌اند: یک دسته که فقط حق الله است و عبارت‌اند از حد شرب خمر، ارتداد، محاربه، قیادت و غیره و دسته‌ای دیگر هم حق الله است و هم حق الناس، مانند حد سرقت و حد قذف.

۳.۱. دیدگاه اول و نقد آن

برخی مفسران، تعبد به نصوص دینی را وظیفه انسان دانسته و از تجسس و تفحص در علت و فلسفه احکام منع کرده‌اند. در تفسیر *الکاشف* در پاسخ به این پرسش که چرا گواهی دو زن برابر گواهی یک مرد است، آمده است: «کامل‌ترین جواب این است که ما معتقد به نص دینی هستیم، گرچه حکمت آن را نفهمیم» (مغنیه، ۱۹۸۱: ۴۴۲). ابن عربی می‌گوید: «خداوند سبحان هر حکمی را که بخواهد وضع می‌کند و او خود به حکمت کار خویش و مصلحت وضع مقررات خود آگاه‌تر از همه است و ملزم نیست مردم را از حکمت و مصالح احکام آگاه نماید».^۱ به اعتقاد وی «نباید در پی حکمت و علت احکام و مقررات شرعی بود. آنچه وظیفه ماست، این است که از روی «ادله شرعی، حکم خدا را به دست بیاوریم؛ ولی دستیابی به فلسفه و حکمت احکام نه وظیفه و نه در بسیاری از موارد در توان ماست» (حسن‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۰۹).

گرچه نیز از معتقدان به این دیدگاه است و بر آن تأکید کرده است (گرچی، ۱۳۷۷: ۶). در نقد این دیدگاه باید گفت اصولاً تجسس و تفحص در علت و فلسفه احکام امری فطری است، به گونه‌ای که همیشه پیشوایان ادیان طرف سؤال واقع شده و افکار و آیینشان مورد نقیض عمومی واقع شده‌اند. ولی باید توجه داشت که «کشف علل تامه و ملاک‌های قطعی» بسیاری از احکام میسر نبوده و محدود در قلمرو و ادراکات بشری نیست. بلکه از طریق نصوص شرعی می‌توان ملاک تام و علت را کشف کرد (قربان‌نیا، ۱۳۸۴: ۸۴).

۳.۲. دیدگاه دوم و نقد آن

جمعی از صاحب‌نظران اسلامی وظیفه اصلی زن را تربیت فرزند و انجام کارهای منزل می‌دانند که اشتغال به این امور سبب غلبه فراموشی بر زنان است. در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: «نکته اینکه این مطلب فقط در مورد گواه بودن زنان بیان شده است، این است

۱. «الجواب فيه الله سبحانه شرع ما اراد و هو اعلم بالحکمه و اوفى بالمصلحته ليس ان يعلم الخلق وجوه الحکمه و انواع المصالح في الاحکام» (ابن عربی، ۱۴۲۴ق: ۲۵۵).

که زنان نوعاً بیش از مردان فراموش کارند» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). در کتب تفسیری المنار (رشید: ۱۹۹۰: ۱۰۳)، من هدی القرآن (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۸)، روان جاوید (ثقفی تهرانی، ۱۳۷۶: ۳۶۰)، شریف لاهیجی (لاهیجی، ۱۳۴۰: ۲۸۷)، المنیر (زحیلی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۷) و تقریب القرآن (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰ق: ۳۶) نیز به ضعف حافظه زنان اشاره شده است. آیت الله جوادی املی در این باره می‌نویسد: «... دو تا زن برای این است که هر دو در صحنه حضور داشته باشند که این به ضعف حافظه و ذاکره برمی‌گردد نه به ضعف عقل. برای این است که زن مشغول کارهای خانه، تربیت بچه و مشکلات مادری است، لذا ممکن است آن صحنه‌ای که دیده است فراموش کند» (جوادی املی، ۱۳۷۱: ۳۴۶).

در نقد این دیدگاه باید گفت از لحاظ پزشکی ضعیف بودن حافظه زنان نسبت به مردان سند علمی ندارد (بریزندین، ۱۳۹۵: ۱۸۳). حافظه از لحاظ روان‌شناسی «محتاج به استمرار است. وجود زن در جامعه‌ای که در بازار کار راه نداشته باشد، حافظه خود را به کار نمی‌اندازد در نتیجه به آنچه می‌بیند توجه نمی‌کند و یا اگر اعتنا می‌کند، باز دیده یا شنیده را از یاد می‌برد» (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۳.۳. دیدگاه سوم و نقد آن

بسیاری از مفسران عدم قبول شهادت زنان در برخی موارد و نیز عدم برابری ارزش گواهی زنان و مردان را ناشی از غلبه احساسات و عاطفه جوشان زنان می‌دانند. به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند «زن هرچند هم از دانش‌های لازم برخوردار باشد، هرگز ماهیت او به خاطر این دانش تغییر پیدا نمی‌کند و او همچنان عاطفی و تحت تأثیر احساسات است و این نکته مربوط به عصر گذشته، حال یا آینده نیست، همان گونه که مربوط به آب و خاک و منطقه جغرافیایی خاصی نمی‌باشد» (داودی، ۱۳۸۳: ۳۵۸). در تفاسیر من وحی القرآن (فضل الله ۱۴۰۵ق: ۱۳۳)، نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۸۷)، نور العرفان (داورپناه، ۱۳۷۵: ۵۵۱)، فی ظلال القرآن (سید قطب، ۱۳۷۸ق: ۳۳۶) به جنبه قوی بودن احساسات و عواطف در زنان اشاره شده است. شهید مطهری (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۳) و علامه فضل الله (فضل الله، ۱۳۸۳: ۱۸۷) نیز همین عقیده را دارند.

باید پذیرفت احساسات و عواطف که در هر دو گروه زن و مرد وجود دارد، در زنان شدت بیشتری دارد. اما این موضوع «نه مربوط به ضعف عقل است و نه مربوط به ضعف ایمان و نه ضعف عدالت بلکه مربوط به حالت احساساتی بودن است» (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۴) و در واقع غلبه احساسات باعث نقص در دقت می‌شود نه نقص در عقل.

۴. پاسخ به شبهات وارد بر تفاوت جنسی در مسئله شهادت

پیش‌فرض‌های اولیه برای استدلال‌ورزی در پاسخ به شبهات وارد بر تفاوت جنسی از جمله مسئله شهادت به قرار زیر است:

۱. اکثریت اندیشمندان اجتماعی در وجود تفاوت میان زن و مرد تردید ندارند؛ اما درباره میزان و دامنه و منشأ این تفاوت‌ها (منشأ طبیعی یا منشأ فرهنگی-اجتماعی) اختلاف نظر وجود دارد.

۲. وجود تفاوت‌های فراوان در احکام تشریحی میان زن و مرد از ضروریات دین است. چنانکه آیات و روایات متعددی به تفاوت‌هایی همچون تمایز وظایف و تکالیف در حجاب، پوشش، مهریه، نفقه، چندمسری، طلاق، سلسله مراتب و وظایف زندگی زناشویی، ارث، شهادت، حج، نماز، روزه، غسل و... اشاره دارند.

۳. وجود تفاوت‌های انکارناپذیر جنسی، ناشی از هدفمندی و طرح‌ریزی خالق حکیم هستی است که در تدبیر خلقت، در متن تکوین و طبیعت، ابزار لازم به منظور دستیابی به هدف غایی را در دسترس زن و مرد قرار داده است. از سوی دیگر، تشریح چراغ راهنمایی است که راه به کارگیری استعدادها و طبیعی برای نیل به مقصود را پیش روی انسان قرار می‌دهد. چون تکوین بستر و مجرای تشریح است و هر دو در راستای یک هدف به وجود آمده‌اند، به‌ناچار با هم متناسب و هم‌جهت‌اند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۵).

۴. حکمت تفاوت‌های تکوینی مرد و زن و استعدادها و قوای مختلف آنها، آن است که انسان موجودی طبیعتاً اجتماعی است و نمی‌تواند امور خود را به تنهایی انجام دهد و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. خداوند به واسطه این تفاوت‌ها، زمینه ایجاد پیوند

را برقرار کرده است. از این رو در تفکر اسلامی، ارتقای هریک از اعضای خانواده و اجتماع، تا حدود زیادی در گرو ارتقای اعضای دیگر است. از این رو، افراد یک جامعه از جمله مرد و زن، کمال خود را در کمال سایر افراد می‌دانند (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۷). حال با در نظر گرفتن این پیش‌فرض‌های اولیه می‌توان تفاوت جنسی در مسئله شهادت را براساس تفاوت‌های جسمی و ادراکی و اصل «تناسب و هماهنگی تفاوت‌های تکوینی با تشریحی» تبیین کرد:

الف) تفاوت‌های جسمی: در روایات، با استفاده از الفاظی همچون ضعیفات القوی، گل لطیف، ریحانه و نیز با تحریک به مدارا و واگذار نکردن مسئولیت‌های سنگین جسمی به زنان، تفاوت‌های جسمی زن و مرد، مورد اشاره قرار گرفته است. این مسئله از دلایل عدم تساوی شهادت زنان با مردان است.

ب) تفاوت در ادراک: مسئله شهادت ارتباط مستقیمی به مسئله ادراک دارد. بر این اساس لازم است نظریه‌های تفاوت جنسی در ادراک مورد تأمل قرار گیرد. در این خصوص سه دیدگاه قابل تصور است:

نظریه اول: زن و مرد از نظر برخورداری از قوای عقلانی و قدرت تعقل مساوی‌اند، اما این مسئله معلول اوضاع فرهنگی و اجتماعی است (دیدگاه دوم فقها و مفسران).

نظریه دوم: زن و مرد در بهره‌مندی از قوه عقل یکسان‌اند، اما به دلیل غلبه احساسات و عواطف که لازمه زندگی زناشویی و ایفای نقش مادری و همسری است، جنبه تعقل زن در مقایسه با مرد، کمتر فعال است (دیدگاه سوم فقها و مفسران).

نظریه سوم: زن و مرد در بهره‌مندی از قوای عقلانی با یکدیگر یکسان نیستند و زن از آنجا که در طرح حکیمانه عالم تکوین برای فعالیت‌های ویژه‌ای انتخاب شده است، نیازی به برخورداری از استعداد عقلانی مساوی با مردان نداشته است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۰).

دیدگاه سوم از سوی علامه طباطبایی نیز بیان شده است. آیت‌الله مصباح یزدی در راستای تأیید این نظریه معتقدند «قدرت تعقل در هر دو جنس وجود دارد ولی شدت و

ضعف آن می‌تواند ناشی از دلایل مختلف، از جمله بیشتر بودن موانع تعقل از جمله احساسات و عواطف در زنان و بیشتر بودن اقتضای تعقل در مردان باشد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

به نظر می‌رسد نظر صحیح این است که قوای عقلانی در زن و مرد یکسان است، با این توضیح که در شرع، عقل حداقل دو کاربرد دارد؛ اگرچه در لغت به معانی متعددی آمده است: فهم و ادراک یا عقل نظری: در این جنبه و کاربرد، تفاوتی میان زن و مرد نیست و امکان ندارد که زن نفهمد یا کمتر از مرد بفهمد، زیرا این مسئله خلاف حکمت پروردگار است.

تدبر و مدیریت یا عقل عملی: یکی از کاربردهای عقل، تدبیر و اندیشیدن در امور و مدیریت است. این معنا از روایات نیز استفاده می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «..... هیچ فکری مانند اندیشیدن و تدبیر و آینده‌نگری نیست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳).

این همان جنبه و کاربردی است که در فرمایشی دیگر از حضرت علی (ع) از نقص و ضعف آن درباره زنان سخن گفته شده است (نهج البلاغه، خطبه ۸۰). اما نکته قابل تأمل آن است که شکوفایی این جنبه عقل در سایه به‌کارگیری عقل در امور و مسائل مختلف اجتماعی است و در این جنبه نیز در شرایط مساوی فرقی بین زن و مرد نیست؛ اما عواملی (همچون اشتغال به امور منزل، دور بودن از محیط اجتماع، احساسات قوی زنانه) در بهره‌گیری از عقل گاه به‌مثابه مانع عمل می‌کند (علائی رحمانی، ۱۳۶۹: ۲۱۰). بنابراین رفع این موانع می‌تواند موجب برابری قوای عقلانی زن و مرد شود و این موضوع تأییدکننده تفاوت تکوینی زن و مرد است، به‌گونه‌ای که معمولاً جنبه احساسی زن بر قوای عقلانی‌اش تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه روان‌شناختی نیز، ادراک را در معنای خاص خود می‌توان پاسخ‌گزینی هر فرد به محرک‌ها تلقی کرد. بر این اساس با عنایت به اینکه مسئله شهادت با احساسات و عواطف سرشار زنان تناسب کمتری دارد، ورود آنها می‌تواند هم بر مسئله شهادت و هم خود آنها تأثیر منفی داشته باشد.

ج) اصل تناسب و هماهنگی تفاوت‌های تکوینی با تشریحی: براساس تناسب و

هماهنگی «تکوین با تشریح»، می‌توان استدلال کرد که وجود تفاوت‌های تشریحی نشانه وجود تفاوت‌های تکوینی است. از طرف دیگر، می‌توان استدلال کرد که اغراض مختلف شارع مقدس از خلقت دو جنس (تفاوت‌های تکوینی) موجب شده است احکام شرعی متمایزی را برای رسیدن به کمال مطلوب مرد و زن وضع کند.

تفاوت جنسی در مسئله شهادت، تبعیض تلقی نمی‌شود؛ چراکه زن در طرح حکیمانه عالم تکوین برای فعالیت‌های ویژه‌ای انتخاب شده است و نابرابری او با مرد در مسئله شهادت در تناسب با این طرح حکیمانه عالم تکوین به نفع او و حتی خانواده تمام می‌شود. اسلام تمایل ندارد زن با ورود در اموری که با روحیات او سازگاری کمتری دارد، آسیب ببیند. به عبارت دیگر، هدف خداوند از خلقت زن و مرد یک چیز است، ولی برای رسیدن به این هدف، مسیرها، استعدادها و ظرفیت‌های متفاوتی را در زن و مرد قرار داده است. در واقع نقش‌هایی که طبیعت بر عهده مرد و زن گذاشته، متفاوت است و الزاماً باید ابزار ایفای این نقش‌ها را در اختیار او گذارد. وجود تفاوت‌ها یاریگر هریک از دو جنس در انجام وظایف و نقش‌هاست. به همین سبب در روایات، جهاد مردان، بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان، شوهرداری نیکو و صبر بر بدخلقی همسر می‌باشد (مجلسی ۱۳۷۴ ق) ج ۱۰: ۹۹ و ج ۱۸: ۱۰۷).

این تمایز نقش حتی در نظریه‌های جامعه‌شناسانی چون پارسونز و هلموت شلسکی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نظریه تفکیک نقش‌ها براساس اصل سازش‌ناپذیری بودن نقش‌های رهبری و عاطفی در خانواده است که پارسونز آن دو را از یکدیگر جدا می‌داند. این تفکیک نقش‌ها و عدم ورود هر جنس به نقش‌های جنس دیگر برای حفظ و ثبات خانواده و پیشرفت اقتصادی و صنعتی جامعه کارکرد اساسی دارد (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). بر این اساس می‌توان استنباط کرد ورود زنان به اموری چون شهادت با نقش‌های عاطفی زنان تناسب ندارد و با کارکرد خانوادگی و اجتماعی تفکیک نقش‌ها در تضاد است. به عبارت دیگر، عدم تشویق زنان برای ورود به مسئله حقوقی شهادت در اسلام با کارکرد خانوادگی و اجتماعی زنان نیز متناسب است.

۴. نتیجه‌گیری

آشنا نبودن با تفاوت‌های جنسی و فلسفه و حکمت آنها به تدریج موجب تلقی این تفاوت‌ها به عنوان تبعیض در شریعت اسلام و ابراز نارضایتی از آموزه‌های دینی می‌شود. چنین می‌شود که ارزش‌های مردانه اصل قرار گرفته و زنان در اعتراض به شریعت، مسابقه مردانه شدن را با سرعت و اشتیاق برگزار می‌کنند (گرنه، ۱۳۸۱ش: ۱۶). در این پژوهش ضمن تمرکز روی یکی از تفاوت‌های جنسی در احکام فقهی و حقوقی یعنی مسئله شهادت به ادله مختلف این تفاوت هم در متون دینی و روایی و هم مطالعات بین‌رشته‌ای پرداخته شده است.

مطابق فتوای مشهور فقها و براساس آیه ۲۸۲ سوره بقره در صورت فقدان دو مرد شهادت دو زن معادل با شهادت یک مرد است که این مسئله شائبه تبعیض جنسی در احکام اسلامی را ایجاد کرده است. این در حالی است که خداوند تقوا و عمل صالح را ملاک ارزش و معیار سنجش بین انسان‌ها قرار داده است (حجرات: ۱۳؛ احزاب: ۳۵؛ آل عمران: ۱۹۵) جنسیت امتیازی برای نزدیکی به سوی خدا نیست، و در آیات متعدد زن همسان و هم‌شان مرد شمرده شده است (نساء: ۱۲۴). بر این اساس باید گفت نگرش جزئی در برخی احکام اسلامی از جمله مسئله شهادت زن موجب بروز شبهه تبعیض جنسی در استنتاج قواعد و احکام فقهی و حقوقی اسلام می‌شود. از این رو شایسته است در یک سیستم حقوقی هماهنگ و منسجم با در نظر گرفتن ویژگی کلی‌نگری و انصاف، تحلیل یک جزء و یک حکم در ارتباط و مقایسه با سایر احکام صورت پذیرد و در سایه تحلیل مناسب و برداشت کلی و کلان، ناعادلانه و ظالمانه بودن برخی احکام، عادلانه و منطقی جلوه خواهد کرد، هرچند ممکن است در راه استحکام خانواده که نتیجه‌اش استحکام جامعه است، تفاوت‌هایی ظاهری و جزئی در حقوق زن و مرد وجود داشته باشد (قنواتی: ۱۳۷۹).

در تبیین شبهات وارد بر تفاوت جنسی در مسئله شهادت به تفاوت‌های جسمی و ادراکی و اصل «تناسب و هماهنگی تفاوت‌های تکوینی با تشریحی» اشاره و استنتاج شد که

تفاوت جنسی در مسئله شهادت و نابرابری او با مرد در مسئله شهادت در تناسب با طرح حکیمانه عالم تکوین است و تبعیض تلقی نمی‌شود.

نظام حقوقی مدرنیته برخلاف نظام فقهی و حقوقی اسلام، بیشتر راهبردها و برنامه‌های خود را بر مبنای نفی تفاوت‌های زن و مرد و نیز عدم دخالت تفاوت‌ها در شئون مختلف تدوین کرده است. اما در نظام فقهی و حقوقی اسلام، راهبردها بر مبنای تفاوت‌های زن و مرد، تدوین شده است. این نظام تلاش دارد با تحلیل درست این تفاوت‌ها و کارکردهای اجتماعی و خانوادگی آن، برنامه‌های تدوین شده در ضدیت با اغراض الهی نباشد.

کتابنامه

۱. ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد (بی‌تا). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن‌حمزه، ابی‌جعفر محمد بن علی الطوسی (بی‌تا). *الوسیله الی نیل الفضیله*، تحقیق محمد حسون، قم: منشورات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۳. ابن‌سعید هذلی، ابوزکریا نجیب‌الدین یحیی بن الحسن بن سعید هذلی (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرایع*، تحقیق جمعی از نویسندگان زیر نظر جعفر سبحانی، چ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء.
۴. ابن‌عربی، ابوبکر بن العربی المالکی (۱۴۲۴ق). *احکام القرآن*، محقق محمد عبدالقادر عطا، چ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). *لسان‌العرب*، ج ۷، چ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابوصلاح حلبی، تقی بن نجم‌الدین بن عبیدالله (۱۴۱۰ق). *الکافی فی الفقه*، چ اول، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه‌الدارالاسلامیه.
۷. بریزندین، لوآن (۱۳۹۵). *معز زاننه*، ترجمه محسن دهقانی و سهیلا پیمانی، چ دوم، تهران: رشد.
۸. ثقفی‌تهرانی، میرزا محمد (۱۳۷۶). *روان جاوید در تفسیر قرآن*، چ دوم، تهران: برهان.
۹. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). *جستاری در هستی‌شناسی زن*، چ پنجم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۱). *زن در آئینه جلال و جمال*، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
۱۲. الحرعاملی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه*، ج ۱۸، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۳. حسن‌خانی، احمدرضا (۱۳۸۹). «نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی (شهادت) زنان در قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۱، سال شانزدهم، ص ۲۳۴-۲۰۶.
۱۴. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۰ق). *تقریب القرآن الی الازهران*، ج ۳، چ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۵. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۸). *ادله اثبات دعوا*، چ دوم، تهران: دانش نگار.
۱۶. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، تهران: صدرا.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱، چ اول، دمشق-بیروت: دار العلم - الدار الشامیه.
۱۸. الراوندی، سعید بن عبدالله بن الحسین بن هبه الله بن الحسن (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس‌الدین بن محمد بهاء‌الدین بن منلا علی خلیفه القلمونی الحسینی (۱۹۹۰). *تفسیر المنار*، ج ۳، بیروت: ناشر هیئته المصریه العامه لکتاب.
۲۰. ریتزر، جورج (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۱. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر*، بیروت: دار الکفار المعاصر.
۲۲. زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چ سوم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۳. سید قطب (۱۳۷۸ش). *تفسیر فی ظلال القرآن*، ترجمه مصطفی خرم‌دل، تهران: احسان.
۲۴. شلسینگر، لارا (۱۳۸۶). *قدرت زن*، ترجمه دنیس آژیری، چ اول، تهران: ثالث.
۲۵. شهید اول، ابی عبدالله شمس‌الدین محمد بن الشیخ جمال‌الدین مکی بن الشیخ شمس‌الدین محمد بن حامد بن احمد المطلبی العاملی البناطی الجزینی (بی تا). *المعه*

الدمشقیه فی فقه الامامیه، بی‌جا.

۲۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (بی‌تا). رسائل، قم: مکتبه بصیرتی.

۲۷. شهید ثانی، زین‌الدین العجلی العاملی (۱۳۸۷ ق). شرح لمعه - الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، تعلیق آقای سید محمد کلاتر، ج ۳، قم: دار التفسیر.

۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.

۲۹. صهرشتی، شیخ نظام‌الدین ابو عبدالله (۱۳۷۴ ش). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).

۳۰. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲ ق). ریاض المسائل فی بیان الحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ سنگی.

۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۹۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، بیروت: مؤسسه اعلمی.

۳۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۷۵ ش). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد بیستونی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی شرکت به‌نشر.

۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق محمدباقر بهبودی، قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه.

۳۴. علامه حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی (۱۴۱۹ ق). قواعد الاحکام، ج ۳، چ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

۳۵. ----- (۱۳۷۱). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: انتشارات مؤسسه نشر الاسلام.

۳۶. فرحزادی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). «امر ارشادی و مولوی در اصول شیعه»، مجله مقالات و بررسی‌ها (دانشگاه تهران)، ش ۶۸، ص ۶۶.

۳۷. علائی رحمانی، فاطمه (۱۳۶۹). زن از دیدگاه نهج‌البلاغه، بی‌جا: سازمان تبلیغات

اسلامی.

۳۸. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۳۸۳). *زن از نگاهی دیگر*، ترجمه مجید مرادی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر.

۳۹. ----- (۱۴۰۵ق). *من وحی القرآن*، چ پنجم، بیروت: دارالزهراء.

۴۰. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۴). *زن در قانون مجازات، بازپژوهشی حقوق زن*، تهران: روز نو

۴۱. قنوتی، جلیل (۱۳۷۹). «سیر تاریخی حقوق زن در قوانین موضوعه ایران»، کتاب *نقد*، ش ۱۷، ص ۷۰-۴۱.

۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۴۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *روزنامه زن*، ش ۱۴۵، مورخه ۱۳۷۷/۱۱/۲۵.

۴۴. **گرت، تونی (۱۳۸۱)**. *زن بودن*. ترجمه فروزان گنجی‌زاده، تهران: ورجاوند.

۴۵. گولد، جولوس؛ ویلیام کولب (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار.

۴۶. لاهیجی، بهاء‌الدین محمد بن علی (۱۳۴۰). *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح محمدابراهیم امینی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحارالانوار*، چ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه

۴۸. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۳۷۷ ش) *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تعلیق سید صادق شیرازی، ج ۴، تهران: استقلال.

۴۹. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۱ق). *من هدی القرآن*، چ اول، تهران: دارالمحبی الحسین.

۵۰. مشکینی، علی (۱۳۴۸). *اصطلاحات الاصول*، چ دوم، قم: یاسر، چاپ دوم.

۵۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۸). *از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیراز.

۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). *نظام حقوق زن در اسلام*، چ نهم، قم: جامعه مدرسین.
۵۳. (۱۳۷۱). *زن و گواهی (قسمت اول)*. پیام زن، ش ۷، به نقل از وبگاه اینترنتی www.mortezamotahari.com تاریخ ۱۳۹۰/۱/۲۰.
۵۴. مغنیه، محمدجواد (۱۹۸۱). *التفسیر الکاشف*. ج ۱، چ سوم، بیروت: دارالعلماء للملایین.
۵۵. مقدس اردبیلی، مولی احمد (۱۴۱۷ق). *مجمع الفوائد والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، ج ۱۲، چ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. الموسوی الخمينی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۸. مهدوی، محمدصادق؛ صبوری، خسرو؛ شاهی، حبیب (۱۳۸۲). «ساختار توزیع قدرت در خانواده»، *مطالعات زنان*، سال اول، ش ۲، ص ۳۶.
۵۹. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۱ و ۲۶، چ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

Resources

1. A group of authors (2006). *Research in the ontology of women*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, fifth edition. (in Persain)
2. Abu Salah Halabi, T. I.N. I. O. (1990). *Sufficient in jurisprudence*, Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence Al-Dar Al-Islamiya, first edition. (in Arabic)
3. Alaei Rahmani, F.(1990). *Woman from the perspective of Nahj al-Balaghah*, misplaced, Islamic Propaganda Organization. (in Persain)
4. Al-Harr al-Ame, M. I.A. (No date). *Shiite means to study Sharia issues*, Vol. 18, research of Abdul Rahim Al-Rabbani Al-Shirazi, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
5. Allama Hali, A.M. Al-H. I. Y. I. Al-M. Al-A. (1992). *Different Shiites in the rules of Sharia*, Qom: Publications of the Publishing Institute of Islam. (in Arabic)
6. Allama Hali, A.M. Al-H. I. Y. I. Al-M. Al-A.(1999). *Ghaved-AL-Ahkam*, Vol. 3, Qom: National Publishing Institute for Teachers Association, first edition. (in Arabic)
7. Al-Musawi Khomeini, S.R. (No date). *Tahrir-Ul-vasile*, Vol. 4, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)

8. Al-Rawandi, S. A. I.H. I.H.A. I. A. (1985). *Fiqh of the Quran*, Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. (in Arabic)
9. Brizendin, L. (2015). *Women's brain*, Translated by Mohsen Dehghani and Soheila Peymani, Tehran: Roshd, second edition. (in Persain)
10. Davarpanah, Afshin (1996). *The light of mysticism in the interpretation of the Qur'an*, Vol. 4, Tehran: Sadra Publications. (in Persain)
11. Farahzadi, A.A. (2000). "Amr Ershadi and Rumi in Shiite principles", *Journal of Articles and Reviews (University of Tehran)*, No. 68. (in Persain)
12. Fazlullah, S. M. H. (1985). *From the revelation of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Zahra, fifth edition. (in Arabic)
13. Fazlullah, S. M.H. (2006). *Woman from another perspective. Translated by Majid Moradi*, Tehran: Amir Kabir International Publishing Company. (in Persain)
14. Gorji, A.(1998). *Women's newspaper*, Sh 145, dated 25/11/1377. (in Persain)
15. Gould, J., L. Colb. W. (2005). *Social science culture*, Translated by Mohammad Javad Zahedi, Tehran, Maziar Publications. (in Persain)
16. Grant, T. (2002). *Being a woman*, Translated by Forouzan Ganjizadeh, Tehran, Varjavand. (in Persain)
17. Hassan Khani, A. R. (2010). "A look at the views of commentators on the testimony of women in the Qur'an", *Quarterly Journal of Quranic Research*, Vol. 61, Year 16, pp. 206-234. (in Persain)
18. Hosseini Nejad, H.(2009). *Evidence of litigation*, Tehran: Daneshnegar Publications, second edition. (in Persain)
19. Hosseini Shirazi, S.M. (1980). *Approximation of the Qur'an to the mind*, Vol. 3, Beirut: Al-Wafa Institute. (in Persain)
20. Ibn Arabi, A. B. I.A. A. (2003). *The rules of the Qur'an. Researcher Mohammad Abdul Qadir Atta*, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, third edition. (in Arabic)
21. Ibn Hamza, A. J. M. I. A. A. (No date). *The means to the attainment of virtue*, Research by Mohammad Hassoun, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. (in Arabic)
22. Ibn Idris, M. I. M. I. A. (No date). *Al-Sara'ir al-Hawi to write the fatwas*, Vol.2, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)
23. Ibn Manzoor, M. I.M.(1988). *Arabic Language*, Vol.7, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, First Edition. (in Arabic)
24. Ibn Saeed Hazli, A. Z. N. Y. B. A. B. S. H. (1985). *Al-Jame 'for Sharia, a collective research by authors under the supervision of Jafar Sobhani*, Qom: Sayyid al-Shuhada Institute, first edition. (in Arabic)
25. Jafari Langardavi, M. J. (1998). *Legal terminology*, Tehran, Ganj-e-Danesh Publications. (in Persain)
26. Javadi Amoli, A. (1992). *Woman in the mirror of glory and beauty*, Qom: Raja Cultural Publishing Center, second edition. (in Persain)
27. Katozian, N. (2004). *Introduction to Law and Study in the Iranian Legal*

- System*, Tehran, Anteshar Co. (in Persain)
28. Lahiji, B.u. M. A.(1961). *Tafsir Sharif Lahiji*, Edited by Mohammad Ebrahim Amini, Tehran, Scientific Press Institute. (in Arabic)
 29. Mahdavi, M. S, Saburi, Kh, Shahi, H. (2003). *Structure of power distribution in the family*, women's studies, first year, second issue. (in Persain)
 30. Majlisi, M. B. (1995). *behar- ol-anwar*, Tehran, Islamia, third edition. (in Arabic)
 31. Makarem Shirazi, N. (1995). *Sample Interpretation*, Vol. 2, Tehran: Islamic Library. (in Persain)
 32. Mehrpour, H. (1999). *Investigating the value of female testimony in the relevant Iranian laws and its jurisprudential principles*, Mofid Quarterly, No. 18.(in Persain)
 33. Meshkini, A.(1969). *Terms of principles*, Qom: Yaser Publications, second edition. (in Arabic)
 34. Modarressi, M. T. (1991). *From the guidance of the Quran*, Tehran: Dar Al-Mohebbi Al-Husseini, first edition. (in Arabic)
 35. Mohaqeq Hali, A. al-Q. N.J. al-H.(1998). *Sharia of Islam in matters of halal and haram*, Suspension of Seyed Sadegh Shirazi, Vol. 4, Tehran: Esteghlal Publications. (in Arabic)
 36. Moshirzadeh, H. (1999). *From the movement to the social theory of the history of two centuries of feminism*, Tehran, Shiraz Publishing. (in Persain)
 37. Motahari, M. (1980). *The system of women's rights in Islam*, Qom: Teachers Association, ninth edition. (in Persain)
 38. Motahari, M. (1992). *Woman and Certificate* (Part I), Payam-e-Zan, Sh7. According to the website www.mortezamotahari.com on 2011/9/4 (in Persain)
 39. Mughniyeh, M. J, (1981). *Al-Tafsir Al-Kashif*, Vol. 1, Beirut, Dar al-Ulama al-Malayan, third edition. (in Arabic)
 40. Muqaddas Ardabili, M.A. (1997). *Complex of benefits and argument in the explanation of the guidance of the mind*, Vol. 12, Qom: Islamic Publishing Institute for the Association of Teachers, Second Edition. (in Arabic)
 41. Najafi, M.H. (1981). *The jewel of the word in the explanation of the laws of Islam*, Vol. 41 and 26, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, seventh edition. (in Arabic)
 42. Qanawati, J.(2000). "The historical course of women's rights in the relevant laws of Iran", *Book Review*, No. 17, pp. 40-71. (in Persain)
 43. Qurbannia, N.(2005). *Women in the Penal Code*, *Women's Rights Review*, Tehran: New Day. (in Persain)
 44. Ragheb Isfahani, A.H. I. M.I. M.(1992). *Vocabulary in the strange Qur'an*, Vol. 1, Damascus-Beirut, Dar Al-Alam - Al-Dar Al-Shamiya, first edition. (in Arabic)
 45. Rashid Reza, M.R. I. A. R. I.M. Sh.D. I.M.B.I. M. A. Kh.Q.H. (1990). *Tafsir Al-Manar*, Vol. 3, Beirut: publisher of Al-Haya Al-Masriya Al-Aamah . (in Arabic)
 46. Ritzer, G. (2004). *Sociological theories in the contemporary era*, Translated by

- Mohsen Thalasi, Tehran, Scientific Publications. (in Persain)
47. Saduq, M.I. A.I.B. (1984). *From the presence of the jurist*, Qom: Teachers Association. (in Arabic)
 48. Saghafi Tehrani, M.M. (1997). *The Eternal Spirit in the Interpretation of the Qur'an*, Tehran, Borhan Publications, second edition. (in Persain)
 49. Sahreshti, Sh. N. A. A. (1995). *Shiite lighthouse with Sharia lighthouse*, Qom: Imam Al-Sadiq Foundation, peace be upon him. (in Arabic)
 50. Sayed. Q. (1999). *Tafsir Fi Zalal Al-Quran*, translated by Mustafa Khorramdel, Tehran, Ehsan Publications. (in Persain)
 51. Schlesinger, L. (2007). *Female power*, Translated by Dennis Azhiri, Tehran, Third Edition, First Edition. (in Persain)
 52. Shahid Aval, AA. Sh. M. I.SH. J.M. I.Sh.Sh. M.I.H.I. A. M. A.B . (unpublished). *The Damascus people in the jurisprudence of the Imams*, nowhere. (in Arabic)
 53. Shahid Thani, Z. al-D. b. A. b.A. A. J. (unpublished). Qom: Insight School. (in Arabic)
 54. Shahid Thani, Z. J. A.(2008). *Explanation of the fasting place in the explanation of the Damascus crowd* , Suspension of Mr. Seyyed Mohammad Kalantar, Vol. 3, Qom: Dar al-Tafsir Publications. (in Arabic)
 55. Tabarsi, A. A. Al-F. Al-H. (1996). *Complex of Statement in the Interpretation of the Qur'an*, Translated by Mohammad Bistoni, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing Company. (in Persain)
 56. Tabatabai, M. H. (1983). *Balance in the interpretation of the Qur'an*, Beirut: Scientific Institute, Fifth Edition. (in Persain)
 57. Tabatabai, S. A.(1992). *Riyadh issues in the expression of rulings with reasons*, Qom: Al-Bayt Institute, lithography. (in Arabic)
 58. Tusi, M.I. H. (1968). *Compiled in Imami jurisprudence*, Correction and suspension of Mohammad Baqir Behboodi, Qom: Al-Mortazaviyah School for the Revival of Al-Jafaria Heritage. (in Arabic)
 59. Zahili, W. (1991). *التفسير المنير*, Beirut, Dar al-Kufar al-Maasir. (in Arabic)
 60. Zibainejad, M. R.Sobhani. M. T. (2006). *An Introduction to the System of Female Personality in Islam*, Qom: Office of Women's Studies and Research, third edition. (in Persain)